

سید مهدی موسوی‌نشان

خبرنگار گروه فرهنگ

راما قویدل را می‌توان کارگردان جوانی دانست که تاکنون کارگردانی **سرپال‌های مختلفی ازجمله** **عملیات** ، **شاید برای شما هم اتفاق بیفتد** ، **یک لحظه دیترو** ، **فصل دوم دولت مخفی**، **روح‌الله**، **دبورا شیشه‌ای** ، **خانواده دکتر ماهان** ، **در همگاری با علی محمد قاسمی** بر پرده‌ها داشته و «ایلد» به عنوان آخرین سرپال تلویزیونی وی سال ۱۳۹۹ در شبکه یک پخش شده است. او حالا «بی‌نشان» را در شبکه سه دارد و این بار سراغ یک موضوع حساس رفته است. با قویدل به این بهانه گفت‌وگو کرده‌ایم و از دلایل بدرفتاری ساختن این سرپال گفته و مشکلاتی که در مسیر ساختن سرپال‌ها وجود دارد.

بی‌نشان

به نظر می‌آید تا جایی که امکان داشته «بی‌نشان» با توجه به موضوع و فضای که بوده، جسارت به خرج داده و مخاطبان خاص خودش را هم دارد. مهم‌ترین ویژگی این کار از نظر شما چه بود که تصمیم به ساخت آن گرفتید؟ همین جسارت‌ها یعنی پرونده اقتصادی و دست‌زاتر بوده است یا خودتان خواستید در راستای مسیر کاری‌تان، رفتن به سراغ موضوعات حساس را هم تجربه کنید؟

جمع مواردی که فرمودید از عوامل جذابیت برای من بودند. من این زائر را قبلاً تجربه نکرده بودم و فیلمنامه خوب و جذباتی که در آن وجود داشت، سبزه جذاب و نوشتار خوب آن که قصه‌ارپایش می‌روید و پیچ‌کننده‌ای که دوست ۳۰ساله من است این عوامل اتفاق می‌افتد.

فیلمنامه کامل بود؟

بله، نگارش اولیه انجام شده و آماده بازنویسی بود.

هر آنچه در فیلمنامه نوشته شده بود، جلوی دوربین رفت

به‌رحال به‌دلیل حساسیت‌هایی که داشت، تغییراتی کرد اما خیلی زیاد نبود.

نکته مهم این بود که شما سرتیتر رسانه را برای بیان روایت

این مساله مهم انتخاب کردید و در فیلمنامه انتخاب شده است، یعنی سردربرسانی که ما از رسانه‌ها می‌دانیم، یک هست. مستقیم که مستقیم به چشم‌ها بیفتد، دراز، فحیه روی صندلی‌اش است و روی دیوار محل کارش عکس‌هایی از احتمالا هرمن‌زانش دیده می‌شود. و دست‌های که دارد، تقریباً از یک جنس هستند. در مورد انتخاب رسانه‌های صحبت کنید، درباره بحث کثیفی رسانه‌ها که به عنوان یک سایت خبری می‌بینیم.

شهاب ادهم یک جانباز جنگ است و مشکل چشم‌هایش مربوط به اتفاقات دوران جنگ است و هر کدام از دوستان و حلقه رفقایایی که دارد از دوران جنگ سپاه‌هایی دیده‌اند، عیاس در سرتش ترکش و بتارین سردرد دارد، علی‌مکشل کم‌درد و هرکدام درواقع دچار آسیب‌هایی شده‌اند که الان عوارضتی پیدا است. در مورد رسانه باید بگویم شهاب روحیه جنگجوی حقیقت‌جویی دارد و با آرزمانی که باید در کار روزنامه‌نگاری وجود داشته باشد، همسوز همسوز است و طبیعتاً این حرفه را انتخاب کرده و به این سر رسیده که ما الان در سرپال می‌بینیم و البته همین روحیه حقیقت‌جویی اوست که در سرپال می‌بینیم کار دست می‌دهد.

ما یک قهرمان می‌بینیم که سردربر و جانباز جنگ است که در کنار هم این کاراکتر را جذاب کرد. تصویری که از رسانه ارائه می‌دهید چقدر منتقد بر وضعیت موجود است و چقدر در آن دست‌تان باز بوده و از تحمل و آنچه باید باشد استفاده کرده‌اید؟ ما خودمان داریم در روزنامه کار می‌کنیم و من شخصاً در سایت‌های زیادی کار کردم. این نحوه مواجهه که ما در سرپال می‌بینیم در آنجا آمده؟ مثلاً سردربر به‌طور مستقیم خودش به مجلس می‌رود و دررودر با نماینده‌های صحبت کرده و او را تهدید می‌کند و بعد نماینده‌ای دیگر می‌آید که می‌گوید من تو را می‌شناسم و اینجا، شما آنچه هست که می‌خواهید بپوشانید؟

درواقع آنچه ما روایت کردیم، آنچه باید باشد، است. یک دوستی از همکاران شما هم به من گفت که این سردربر شما سببی است که باید غیرمستقیم صحبت کرد و نباید شعار داد و اگر شما مستقیم به موضوعی اشاره کنید، آن خراب می‌شود و کوچک کرده‌اید. از طرفی این شخصیت این‌گونه می‌انداشد و عمل می‌کند و ما نمی‌توانیم او را جور دیگری نشان بدهیم. این شخصیت «چاقی» را ساختن و شما می‌بینید شخصیت‌ها یی که خودم می‌نویسم، همان‌گونه که نوشته‌ام، همان‌گونه که می‌نویسم، یعنی عمل می‌کنند، یعنی

درواقع آنچه ما روایت کردیم، آنچه باید باشد، است. یک دوستی از همکاران شما هم به من گفت که این سردربر شما سببی است که باید غیرمستقیم صحبت کرد و نباید شعار داد و اگر شما مستقیم به موضوعی اشاره کنید، آن خراب می‌شود و کوچک کرده‌اید. از طرفی این شخصیت این‌گونه می‌انداشد و عمل می‌کند و ما نمی‌توانیم او را جور دیگری نشان بدهیم. این شخصیت «چاقی» را ساختن و شما می‌بینید شخصیت‌ها یی که خودم می‌نویسم، همان‌گونه که نوشته‌ام، همان‌گونه که می‌نویسم، یعنی عمل می‌کنند، یعنی

فرهنگ

راما قویدل، کارگردان سرپال «بی‌نشان» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بعضی الگوهای بی‌نشان تحت‌اختیار من نبودند

۱۳

۱۳